

بهار و نوروز گرامی باد

« استاد صباح »



دلت شاد و لببت خندان بماند
برایت عمر جاویدان بماند
درین فصل نو در روز نوروز
هر آن خواهی برایت آن بماند.

« نوروز می آید تابه مابگوید تنها محبت ماندنی است. »

افتخار دارم در روزهای پر میمنت و خجسته نوروز و سال نو با وطندارانم یکجا در جشن نوروزی سهمیم ام و سال نو، زندگی نو، تلاش و تکاپوی نو، بهار نوروز نورابه شما، خانواده ها و دوستان تان از صمیم قلب تبریک و تهنیت گفته و تمنا دارد تا جهان است زندگی شما مملو از صفا و صمیمیت باشد .

هر روزتان نوروز و هر شب تان عید ویرات - انشاالله .

نوروز نماد جاودان نو شدن است

تجدید پیمان و دوستی کهن است

خوشحالم از اینکه خجسته نوروز

یاد آور فرهنگ ما و تمدن من است.

نوروز در تاریخ

جشن نوروز از آیینهای باستانی می باشد. با استناد بر نوشته های بابلیها، شاهان هخامنشی در طول جشن نوروز در ایوان کاخ خود نشسته و نمایندگان را از ولایات گوناگون که پیشکش هایی نفیس همراه خود برای شاهان آورده بودند می پذیرفتند. گفته شده که داریوش، یکی از شاهان هخامنشی (۴۲۱ - ۴۸۶) در آغاز هر سال از پرستشگاه بآل مردوک، که از خدایان بزرگ بابلیان بود دیدن می کرد.

همچنین پارتیان همه ساله نوروز را با برپایی مراسم و تشریفات خاصی جشن می گرفتند. صبح نوروز شاه جامه ویژه خود را پوشیده و به تنهایی وارد کاخ می شد. سپس کسی که به خوشقدمی شناخته شده بود وارد می شد. و سپس و الامقامترین موبد در حالی که همراه خود گیلاس، حلقه و سکه هایی همه از طلا و جواهرات، شمشیر، تیر و کمان، قلم، مرکب و گل داشت در حین زمزمه دعا وارد کاخ می شد.

پس از موبد بزرگ کارمندان حکومت در صفی منظم وارد کاخ شده و هدایای خود را تقدیم شاه می‌کردند. شاه پیشکش‌های نفیس را به خزانه فرستاده و باقی هدایا را میان حاضران پخش می‌کرد. ۲۵ روز مانده به نوروز، دوازده ستون با خشت‌های گلی در محوطه کاخ برپا شده، و دوازده نوع دانه گیاه مختلف بر بالای هریک از آنها کاشته می‌شد. در روز ششم نوروز، گیاهان تازه روییده شده بر بالای ستونها را برداشته و آنها را کف کاخ می‌پاشیدند و تا روز ۱۶ حمل که به آن روز مهر می‌گفتند، آنها را بر نمی‌داشتند.

جشن‌هایی که از آن روزگار به یادگار مانده، هیچ یک به طول و تفصیل نوروز نیست. نوروز جشنی است که یک جشن کوچکتر (چهارشنبه سوری) به پیشواز آن می‌آید و جشنی دیگر (سیزده به در) به بدرقه آن. و نماد آن انداختن سفره هفت سین است. نوروز در گذشته دارای آداب چندی بوده‌است که امروز تنها برخی از آنها برجای مانده و پاره‌ای در دگرگشت‌های زمانه از بین رفته‌اند.

تقویم هجری خورشیدی

تقویمی که ما از آن استفاده می‌کنیم، یکی از دقیقترین و مناسبترین تقویم‌های جهان است، اما متأسفانه فقط اندکی از ما آن را به خوبی می‌شناسیم و تاریخ به وجود آمدن آن را می‌دانیم. برای مثال، برخلاف تصور عموم، تقویمی که امروز از آن استفاده می‌کنیم، قدامت هزار و سیصد و نود ساله ندارد، بلکه در همین دو قرن اخیر تدوین شده است. ابتدا با مفهوم سال شمسی حقیقی آشنا شوید.

بهار از یغما

نوروز و اول بهار سالی یغما به وطن خود می‌رود، گویا به دلیل می‌خواری شاعر، عالمی فتوای کفرش را می‌دهد. دوستان شاعر با شتاب نزدش می‌روند که: چه نشسته‌ای؟ ممکن است عده‌ای با کارد و قمه و چماق سراغت بیایند و ترتیبت را بدهند، چون حکم رفته که یغما کافر است و... یغما، عبا بر دوش می‌اندازد و عمامه می‌گذارد و با این لباس می‌گریزد. در یک بیت به آخر غزل، یغما به این مطلب به تلویح البته، اشاره‌ای دارد.

تمام غزل را در همین موضوع گفته است:

بهار ار باده در ساغر نمی‌کردم چه می‌کردم

ز ساغر گر دماغی‌تر نمی‌کردم چه می‌کردم

هوا تر، می به ساغر، من ملول از فکر هشیاری

اگر اندیشه‌ی دیگر نمی‌کردم چه می‌کردم

عرض دیدم به جزمی هر چه زان بوی نشاط آید

قناعت گر به این جوهر نمی‌کردم چه می‌کردم

چرا گویند در خم خرقه‌ی صوفی فرو کردی

به زهد آلوده بودم، گر نمی‌کردم چه می‌کردم

ملامت می‌کنندم کز چه برگشتی ز مژگانش

هزیمت گر ز یک لشکر نمی‌کردم چه می‌کردم

مرا چون خاتم سلطانی ملک جنون دادند

اگر ترک کله افسر نمی‌کردم چه می‌کردم
به اشک ار کیفر گیتی نمی‌دادم چه می‌دادم
به آه ار چاره‌ی اختر نمی‌کردم چه می‌کردم
ز شیخ شهر جان بردم به تزویر مسلمانی
مدارا گر به این کافر نمی‌کردم چه می‌کردم
گشود آنچه از حرم بایست از دیر مغان یغما
رخ امید بر این در نمی‌کردم چه می‌کردم.

بهار در شعر شاعران شبه قاره هند

بهار به عنوان احیاگر طبیعت و «عید نوروز» به عنوان ایام پاسداشت این گردش لیل و نهار با شور و شوقی که در اقوام سرزمین‌های نوروزی از گذشته‌هایی دور ایجاد کرده است در حقیقت زندگی تازه و نویی را برای انسان‌ها به دنبال خود می‌آورد. نگاه شاعرانه به این زیبایی‌ها و شور و شوق رستن و دوباره زنده شدن نگاهی توصیفی در آغاز و نگرشی درونی و معناگرا در پایان است.

اقبال لاهوری

فصل بهار اینچنین، بانگ هزار اینچنین
چهره گشا، غزل سرا، باده بیار اینچنین
باد بهار را بگو، پی به خیال من برَد
وادی و دشت را دهد نقش و نگار اینچنین
زاده باغ و راغ را از نفسم طراوتی
در چمن تو زیستم با گل و خار اینچنین
و یا این شعر:

سبزه چون تاب دمید از خویش یافت
همت او سینه گلشن شکافت
چون خودی آرد به هم نیروی زیست
می‌گشاید قلزمی از جوی زیست
هنوز هم نفسی در چمن نمی‌بینم
بهار می‌رسد و من گل نخستینم
بهار تا به گلستان کشید بزم سرود
گمان میر که سرشتند در ازل گل ما
به علم غره مشو کار می‌کشی دگر است
بهار برگ پراکنده را بهم بر بست
نظر به خویش فرو بسته را نشان این است

به خاک هند نوای حیات بی‌اثر است
در چمن قافله‌ی لاله و گل رخت گشود
ای که در مدرسه جویی ادب و دانش و ذوق.

امیرحسن دهلوی

وی بهار را در دو بیت این گونه به تصویر کشیده می‌شود:

نوروز رسید یاد می‌دار
گل پرده درید یاد می‌دار
قربان کردی دل‌حسن را
ای غیرت عید یاد می‌دار.

منور لاهوری

که در زمان حکومت «سیک‌ها» سمت استانداری لاهور را به عهده داشت و در عین حال دانشمند، طبیب و مسلط به زبان پارسی دری و عربی بود، چنین سروده است:

ساقیا فصل بهار است بیاور جامی
عمر چون می‌گذرد نیک برآور نامی.

غلام محمد خان لغاری

برای چنین مضمونی این گونه سروده است:

ساقی نو است و باغ نواست و بهار نو
بلبل نواست و نغمه نو و گل‌گذار نو.

هرکس که اندکی از آهنگ و وزن و موسیقی و ترنم بهره‌ای داشته باشد، شوق فراوان برای سرودن شعری در مورد نوروز دارد بدین جهت در ادب پارسی و دری و اردو و عربی و دیگر زبان‌های شبه قاره، اشعار نوروزی بسیار فراوان است و شاعران در سرودن اشعار نوروزی از یکدیگر پیشی گرفته‌اند.

نوروز در دیدگاه اسلامی

در اسلام و بخصوص از امام جعفر صادق (ع) روایت گردیده: هنگامی که روز نوروز آمد، غسل کن و بهترین و پاک‌ترین لباس را بپوش و با بهترین عطرها خود را خوش بو کن و در این روز، مستحب است روزه بگیرد.
در خصوص روز نوروز در روایات مختلف آداب گوناگونی ذکر شده که به آنها به صورت مختصر اشاره می‌شود: نماز نافله، یک نماز چهار رکعتی پس از نماز ظهر و عصر روز نوروز، دعا کردن در سجده این نماز که موجب بخشش گناهان می‌شود.

ذکر گفتن؛ خصوصاً ذکر - یا ذی الجلال و الاکرام.

روزه گرفتن

دعا کردن در لحظه سال.

در کتاب بحار الانوار درباره نوروز روایات متعددی وجود دارد، در جلد ۴۵ صفحه به نقل از امام صادق نقل ۵۹ بیش از شده است که به معنی بن خنیس فرمودند: ای معلی! همانا نوروز روزی است که پروردگار جهان از بندگانش پیمان گرفت که او را پرستش کنند، به او شرک نوزند و به پیامبران و امامان ایمان بیاورند، نوروز اولین روزی است که خورشید در آن طلوع کرد و بادهای ناگهانی وزیدن گرفت و ستاره زمین در چنین روزی ایجاد شد، روزی است که علی در نهر روان پیروز شد و گلهای زمین در آن روز خلق شد، در چنین روزی کشتی نوح بر کوه جودی نشست، همان روزی که جبرئیل بر پیامبر نازل شد.

بزرگترین جشن که در نخستین روز از نخستین ماه سال خورشیدی آن‌گاه که آفتاب جهان تاب به برج حمل انتقال یابد و روز و شب برابر گردد - آغاز می‌شود در ادبیات پارسی گاه به نام «جشن نوروز» خوانده می‌شود.

نوروز به روایت فردوسی و شاهنامه

فردوسی که بدون شک مواد شاهنامه خود را مع الواسطه از خداینامک و دیگر کتب و رسایل پهلوی اتخاذ کرده، و بکار می‌برد. از همین داستانی که بیرونی آن را نقل کرده نیک بر می‌آید که نوروز را به معنی «روز نو و تازه» یعنی روزی که سال نو بدان آغاز گردد، می‌دانستند. ابوریحان در التفهیم نوشته: از رسم‌های پارسیان نوروز چیست؟ نخستین روز است از فروردین ماه، و از این جهت روز نو نام کردند، زیرا که پیشانی سال نو است. برخی نوشته‌اند سبب آنکه این روز را نوروز خواندند آن بود که صابیان در روزگار طهمورث پدید آمدند و چون جمشید با پادشاهی رسید دین را تازه کرد و چون نوروز روز نوین بود آن را جشن گرفتند و نیز گفته‌اند: جم در شهرها می‌گردید و چون خواست به آذربایجان اندر شود بر تختی از زر نشست و مردم به دوش می‌بردند و چون فروغ خورشید برو تابید و مردم او را بدیدند، وی را بزرگ داشته بدان شادی کردند و آن روز را جشن گرفتند و آن روز میان مردم آئین شد که به یکدیگر شکر دادند.

حسین بن عمرو الرستمی که از لشکریان بود از مؤبدان مؤبد خراسان سبب پیدایش نوروز و مهرگان را پرسید و او علت ایجاد نوروز را چنین شرح داد که در بطیخه و بانی پدیدار گشت و ساکنان آن به ناگزیر فرار اختیار کردند ولی مرگ برایشان مستولی شد و همگی بمردند، و چون نخستین روز فرا رسید خداوند بارانی برایشان بارید و آنان را زنده کرد و ایشان به مساکن خود بازگشتند. پس پادشاه آن زمان گفت که: این نوروز است - یعنی روز نوین می‌باشد و در نتیجه این روز بدان نامیده شد و مردم آن را مبارک شمرده جشن گرفتند.

سال شمسی

مدت زمان بین دو عبور متوالی مرکز خورشید از نقطه اعتدال بهاری است و مدت متوسط آن در ساعت 12 زیجی تاریخ صفر جنوری 1900 میلادی، 365/24219878 شبانه‌روز یا معادل 365 شبانه‌روز و پنج ساعت و 48 دقیقه و 45/97 ثانیه حساب شده است. مدت متوسط سال شمسی حقیقی، ثابت نیست و سالانه معادل 0000000614/0 شبانه‌روز یا 0/00530 ثانیه از مدت متوسط سال شمسی حقیقی کاسته می‌شود. مدت متوسط سال شمسی حقیقی ثابت نیست و بر اثر تغییرات تعدادی از مشخصه‌های نجومی، تغییر می‌کند.

نوروز (اولِ حَمَل) و کبیسه‌های تقویم هجری شمسی از طریق محاسبه لحظه تحویل سال و مقایسه آن با لحظه ظهر حقیقی تعیین می‌شود. سال کبیسه هر چهار و گاهی هر پنج سال یکبار اتفاق می‌افتد.

سال شمسی از چه گرفته شد؟؟؟

اول سال (روز اول بهار) و مبدأ تاریخ هجرت حضرت محمد (ص) از مکه به مدینه می باشد و مدت آن 365 روز و شش ساعت و 48 دقیقه 51 ثانیه می باشد.
مبدأ سال هجری شمسی در زمان سلطنت ملکشاه سلجوقی توسط عمر خیام و عبدالرحمن خازنی و عده ای دیگر از ریاضی دانان و منجمان تعیین و تنظیم شد.

چون سال شمسی با سال قمری تقریباً یازده روز تفاوت دارد، بنابراین سال هجری شمسی همواره تقریباً یازده روز از سال هجری قمری عقب می ماند و در نتیجه تقریباً هر 34 سال یکسال، سال قمری از سال خورشیدی پیش می افتد.
هر سال هجری شمسی شامل دوازده ماه به ترتیب زیر می باشد:

1-حمل 31 روز -2ثور 31 روز -3جوزا 31 روز -4سرطان 31 روز -5اسد 31 روز -6سنبله 31 روز -7میزان 30 روز -8عقرب 30 روز -9قوس 30 روز -10جدی 30 روز -11دلو 30 روز -12خوت 29-30 روز
مدت یکسال هجری شمسی 365 روز است که هر چهار سال یکبار است که به آن سال کبیسه می گویند و مدت آن 366 روز است.

تاریخ هجری قمری

مبدأ تاریخ هجری قمری از هجرت پیامبر گرامی اسلام (ص) از مکه به مدینه محاسبه می شود که تا کنون 1425 سال از آن می گذرد. سر آغاز تقویم هجری قمری ، روز اول محرم سالی است که حضرت محمد (ص) از مکه به مدینه هجرت نمودند. سال قمری بر حسب گردش 12 دور کره ماه به دور زمین است که مدت آن 35 روز و 8 ساعت و 48 دقیقه و 24 ثانیه می باشد.

مدت ماه قمری دقیقاً معلوم نیست و به هلال و محاق آن بستگی دارد و معمولاً مدت آن 29 روز و 12 ساعت و 44 دقیقه و 2 ثانیه است. هر سال هجری قمری شامل 12 ماه به ترتیب زیر می باشد:

۱-محرم -2صفر -3ربیع الاول -4ربیع الثانی -5جمادی الاول -6جمادی الثانی -7رجب -8شعبان -9رمضان -10شوال -11ذیقعدہ -12ذیحجه...

تاریخ میلادی

مبدأ تاریخ میلادی، تولد حضرت عیسی (ع) در زمان سلطنت فرهاد پادشاه اشکانی، و اکتا و آگوست امپراطور روم می باشد. مبنای تقویم بین المللی در جهان امروز بر اساس ولادت حضرت عیسی (ع) می باشد که به آن تاریخ میلادی می گویند. هر سال میلادی شامل 12 ماه به ترتیب زیر می باشد:

1-جنوری 31 روز -2فبروری 28-29 روز -3مارچ 31 روز -4اپریل 30 روز -5می 31 روز -6جون 30 روز -7جولای 31 روز -8اگست 31 روز -9سپتمبر 30 روز -10اکتبر 31 روز -11نومبر 30 روز -12دسمبر 31 روز
مدت یکسال میلادی 365 روز است که هر چهار سال یک بار ماه فبروری 29 روز است که به آن سال کبیسه می گویند و مدت آن 366 روز می باشد. بهره: مبدأ تاریخ هجری شمسی، نوروز و پژوهشهای قبلی نویسنده در رسانه ها .